

تصوير ابو عبد الرحمن الكردي

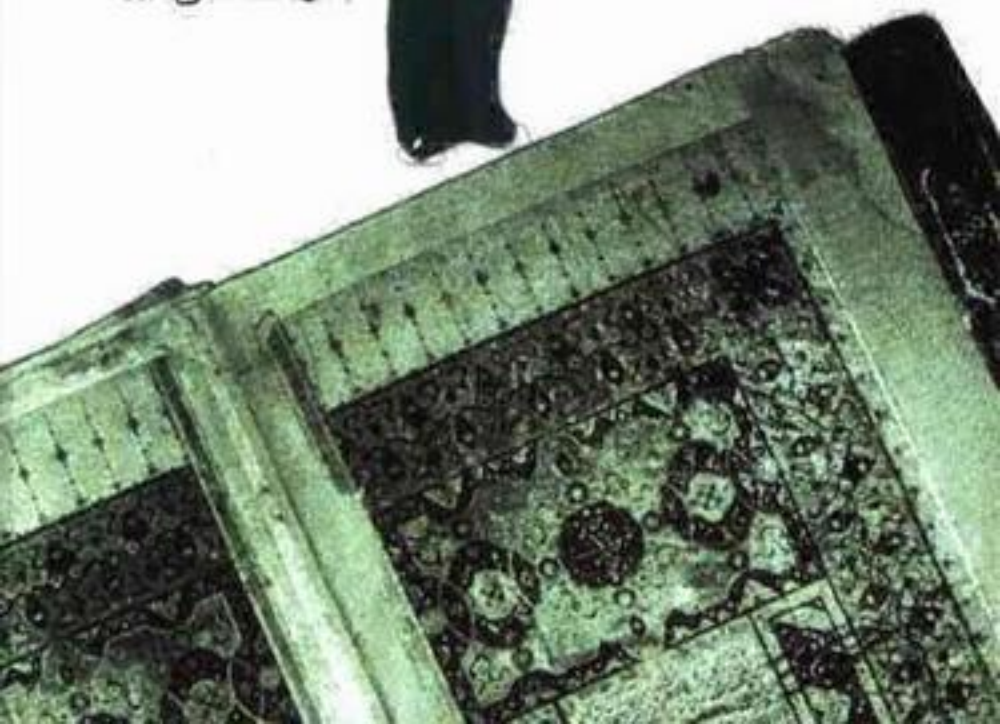


منتدى اقرأ الثقافي

www.iqra.ahlamontada.com

اصحاحك من كتابك

مؤلف: علي غفور



لتحميل أنواع الكتب راجع: (مُنْتَدَى إِقْرَأَ الثَّقَافِي)

براي دانلود كتابهای مختلف مراجعه: (مُنْتَدَى اقرا الثقافى)

بۆدابهزانى جۆرهها كتيپ:سهردانى: (مُنْتَدَى إِقْرَأَ الثَّقَافِي)

www.iqra.ahlamontada.com



www.iqra.ahlamontada.com

للكتيب (كوردى , عربى , فارسى)



اصحاب در قرآن

گردآوری: علی غفوری



غفوری، علی، ۱۳۴۳
اصحاب در قرآن / گردآوری علی غفوری
تهران: احسان، ۱۳۸۷.
۳۰ ص.

ISBN: 978-964-356-614-2

فیبا
کتابنامه به صورت زیر نویس
قرآن -- بررسی و شناخت
۶الف ۷۵ غ / ۴ / ۶۵ BP
کتابخانه ملی ایران

۲۹۷/۱۵
۱۰۹۱۱۶۵

اصحاب در قرآن

- | | |
|-------------|-----------------|
| ● مؤلف: | علی غفوری |
| ● ناشر: | نشر احسان |
| ● صفحه‌آرا: | مریم مقدم سلیمی |
| ● چاپخانه: | مهارت |
| ● نوبت چاپ: | اول - ۱۳۸۷ |
| ● تیراژ: | ۳۰۰۰ |
| ● قیمت: | ۸۰۰ تومان |

◀ دفتر مرکزی: خیابان انقلاب - خیابان صنی‌علیشاه - کوچه تهرانی - شماره ۳۶ - تلفن: ۷۷۵۳۷۶۵۵
◀ فروشگاه: تهران - خیابان انقلاب - روبروی دانشگاه - مجتمع فروزنده - شماره ۴۰۶ -
تلفن: ۶۶۹۵۴۴۰۴ صندوق پستی: تهران ۳۸۵ - ۱۱۴۹۵

ISBN: 978-964-356-614-2
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۵۶-۶۱۴-۲



فهرست مطالب

پیش‌گفتار.....	۷
۱. اصحاب الأيكة.....	۱۱
۲. اصحاب الأعراف.....	۱۲
۳. اصحاب الأخدود.....	۱۳
۴. اصحاب الجنة.....	۱۴
۵. اصحاب الجحيم.....	۱۴
۶. اصحاب الحجر.....	۱۴
۷. اصحاب السبت.....	۱۵
۸. اصحاب السعير.....	۱۵
۹. اصحاب السقينه.....	۱۶
۱۰. اصحاب الصراط.....	۱۷
۱۱. اصحاب الشمال.....	۱۸
۱۲. اصحاب الفيل.....	۱۸
۱۳. اصحاب القرية.....	۲۰
۱۴. اصحاب القبور.....	۲۱

٢٢	١٥. اصحاب الرّس
٢٣	١٦. اصحاب موسى
٢٤	١٧. اصحاب المدّين
٢٥	١٨. اصحاب الميمنه
٢٥	١٩. اصحاب المشّمه
٢٦	٢٠. اصحاب النّار
٢٦	٢١. اصحاب الكهف
٢٨	٢٢. اصحاب اليمين
٣٠	منابع و مأخذ

پیش‌گفتار

نوشتاری که پیش رو دارید، مجموعه‌یی به نام «اصحاب در قرآن» است، که با واژه‌ی صریح «اصحاب» از آن‌ها نام برده شده است؛ و بی‌تکرار بیست و دو اصحاب هستند. واژه‌ی اصحاب هفتاد و هفت بار با مشتقات آن در قرآن آمده است. اصحاب، اسم جمع است. جمع جمع آن اصحاب و ریشه‌ی آن صحب آمده است؛ و به معنی یار و یاور و طرفدار مسی یا چیزی‌ست. مفرد آن صاحب به معنی هم‌دم و مونس و رفیق است. شمار ۸ صحابه از ۲۲ اصحاب را در قرآن، خداوند، تمجید و تکریم و تشویق نموده؛ و دیگران را تهدید و تعذیب کرده است. یعنی گروهی که راه عصیان و طغیان را در پیش گرفته؛ و فرمان خدا را انکار کرده‌اند، خداوند نیز آن‌ها را به عذاب‌های دنیوی و اخروی خبر می‌دهد؛ اما گروهی که فرمان خدا را پسندیدند؛ و سخن دنیا را برای خشنودی خدا با جان و دل پذیرفتند، پروردگار مؤده‌ی سعادت ابدی را به آنان داده است؛ زیرا در سخت‌ترین لحظه‌ها، پیام پیامبران را پذیرفتند؛ و در میدان مبارزه با طاغیان و یاغیان آنان را تنها نگذاشتند، تا سنت جاری و ساری ایزد منان در راستای تزکیه و تهذیب نفوس و بندگان خدا دوام و قوام پیدا کند.

اصحاب در قرآن به دو گروه تقسیم می‌شوند، که به طور کلی خداوند آن‌ها را این‌گونه معرفی می‌کند: اهل سعادت چنین صفاتی دارند: راستی و صفا و دانش و حیا و بخشش و داد و وقار و وفا و رحم و انصاف و خوشرویی و پرهیزکاری؛ اما اهل شقاوت: دارای کبر و ریا و ظلم و تزویر و بُخل و بهتان و عناد و لجاجت و نَمّام و بی‌شرم و حرص و حسد و کینه و شهوت و غضب و غیبت و کذب هستند، که با گذشت زمان یا مانع پیشرفت کار انبیا بودند؛ مانند: اصحاب سبت و دیگران و یا در تصریح و تشریح پیام آنان سعی وافی و کافی کرده‌اند؛ مانند: اصحاب کهف؛ اما مثل معروفی‌ست، که گویند: کار را آن‌کس کرد، که تمام کرد. اگر به درازای زمان دعوت پیامبران به ختمی مرتبت (پیامبر اسلام ﷺ) و یاران باوفا و باوقار او می‌رسد، که اگر جان‌فشانی نمی‌کردند؛ و از مال و جان خود نمی‌گذشتند؛ و دَین خود را نسبت به دین خدا (که همان برنامه‌ی زندگی بشریت است) ادا نمی‌کردند، این دین جامع به اقصی نقاط جهان نمی‌رسید؛ و اگر اصحابی چون اصحاب‌الرسول تلاش بسیار نمی‌نمودند، دین مبین اسلام در همان آغاز قیام پیامبر اسلام در نطفه خفه می‌شد؛ و بازماندگان و نسل‌های آینده از نعمت دین بی‌بهره می‌ماندند؛

اما تعریف و تمجید ماه تابان و ستارگان درخشان تا زمانی جالب و جذاب است، تا خورشید پرفروغ اسلام محمد مصطفی ﷺ این مجموعه‌ی شریعت و بشریت را عهده‌دار و نمایان می‌شود؛ وگرنه قیاسی مع‌الفارق است.

سلام و درود بی‌پایان خداوند منان بر همگان

اگر فرو فرستاده شدن تدریجی قرآن تاکنون ادامه می‌داشت؛ و قیام پیامبر خدا تا زمانه‌ی حاضر دوام داشت، چه معلوم بود؟ شاید

اصحاب السارقین و اصحاب الکاذبین و اصحاب الماکرین و اصحاب الناکثین و اصحاب الدینار و اصحاب الحیل و صدها اصحاب دیگر، نام‌شان در قرآن می‌آید؛ زیرا مصداق آن در دنیای ما چنان آشکار است که به بیان نیازمند نیست. اکنون به صورت تک و جمع دردان در همه‌ی زمینه‌ها و دروغ‌گویانی به هر رنگی و نیرنگ‌بازان با هر نیرنگی و پیمان‌شکنان به صورت تک و گروهی و ثروتمندان دنیادوست در هر دوره و حیل‌گران آمیخته با شکیب و آزر چنان چشمان انسان صادق را متحیر و متعجب می‌کنند، که هر چند هوش و ذکاوت بسیاری داشته باشد، فرب لبّ فظای و طنّازی آنان را می‌خورد، چنان مات و مبهوت می‌شود، که خیلی مشکل می‌تواند راه و چاه و سره و ناسره را با محک عقل و منطق از هم جدا کند! زیرا بیان برخی شیرین و جذّاب و شماری چندان در لفافه است، که واقعاً تشخیص بسیار سخت و مشکل است؛ و کم‌تر کسی یافت می‌شود، گفتار و رفتارش از این رنگ‌ها بی‌رنگ یا کم‌رنگ باشد؛ لذا اگر فرو فرستاده شدن تدریجی قرآن تاکنون ادامه می‌داشت، مصادیق عصر ما را برای نسل‌های آینده بیان می‌فرمود، که پیام قرآن در هر عصری برای بشریت، این است.

﴿فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ﴾

(پس در زمین سیاحت و گردش نمایید، تا درس عبرت بگیرید. ای صاحبان چشم بینا!)

خداوند! چنان کن سرانجام کار

که تو خشنود باشی و ما رستگار

والسلام - علی غفوری

سفر ۱۳۸۳/۱۲/۲۵

۱. اصحاب الایکه

صاحبان جنگل و بیشه‌زار

﴿وَ أَصْحَابُ الْاٰیٰتِ وَ قَوْمٌ تُبْعِ كُلِّ كَذَّبٍ الرَّسُلَ فَحَقَّ وَعْدِ﴾^(۱)

(اصحاب آئیکه و قوم تبع هر یک از آنان فرستادگان الهی را دروغ انگاشتند؛ و وعده‌ی عذاب [خدا] درباره‌ی ایشان تحقق یافت.)

شرح: آئیکه در واژه به معنای جنگل زیاد و پرسایه است. صاحبان جنگ همان قوم حضرت شعیب هستند؛ و قوم تبع گروهی از مردم یمن پیرو پادشاهی خوب به نام «تُبْعِ جُمَیْرَی» بودند. گروه‌هایی بودند، که معاد را انکار و زنده شدن را به تمسخر می‌گرفتند. خداوند آن‌ها را متوجه می‌کند به این که چون آفرینش نخستین از خداست، پس رستاخیز و زنده شدن انسان برای بار دوم (معاد) بسی آسان‌تر از آفرینش نخستین است.

۲. اصحاب الأعراف

ساکنان اعراف

﴿وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رَجُلًا لَا يَعْرِفُهُمْ بِسَيَأْهُمُ قَالُوا مَا آغَىٰ عَنْكُمُ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ﴾^(۱)

(و آنان که بر اعراف جای‌گزین‌اند، مردانی [از دوزخیان] را که از سیمای‌شان آنان را می‌شناسند، صدا می‌زنند؛ و می‌گویند آیا گرد (مال و ثروت و لشکر و حشم) شما و چیزهایی که (می‌پرستید) بدان‌ها می‌نازیدید و بزرگ می‌داشتند، چه سودی به حال‌تان داشت؟)

شرح: اعراف نام جایگاهی بلند میان بهشتیان و دوزخیان و مانعی میان آن دو گروه است. مفرد آن عُرْف است. در نهایت بهشتیان به بهشت می‌روند، تا خداوند می‌خواهد به اعرافیون بفهماند که کسب بهشت کار آسانی نیست و با کار نیک آن دست‌یافتنی است؛ و گه گاهی عذاب دوزخ را نشان‌شان می‌دهد، تا در مقایسه با آن، ارزش بهشت را بهتر بدانند.

۳. اصحاب الأخدود

صاحبان خندق

﴿قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ﴾^(۲)

(نفرین باد بر صاحبان گودال شکنجه.)

شرح: اخدود چال و گودال مستطیل شکلی در زمین است، که جمع آن اخادید است. نماد کوره‌های آدم‌سوزی و شکنجه‌گاه‌ها و

سیاه چال‌های تاریخ است. گودالِ ژرف و درازی که کنار آن می‌ایستادند؛ و از سوختن و بریان شدنِ مؤمنان شادی می‌کردند؛ و از این که مؤمنان به خدا را در آن گودال، سوخته می‌دیدند، لذت می‌بردند. اصحاب الاخدود، همان اصحاب‌الرس، که در سوره‌ی ق، آیه‌ی ۱۲ شرح داده شده است.

۴. اصحاب‌الجَنَّة

یاران بهشت ایشان پیروز و رستگارند.

﴿لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾^(۱)

(اصحاب‌الجَنَّة و اصحاب‌النَّار در رفتار و کردار و پاداش و جزا هرگز برابر نیستند.)

بهشتیان گروهی هستند، که خشنودی کامل پروردگار را جلب کرده‌اند. قرآن به نام اصحاب‌الجَنه از آن‌ها نام می‌برد؛ و آخرین جایگاه برای نیکوکاران پاداش جَنه در نظر گرفته شده است. نقطه مقابل آن جحیم [دوزخ] است.

شرح: کلمه‌ی جَنَّة در زبان عربی با دو حرکت دیگر (مُ) جَنَّة و جُنَّة خوانده می‌شود؛ و معنی متفاوت پیدا می‌کند؛ جَنَّة، بهشت است؛ و جُنَّة، موجود پنهان و ناپیداست، که جمع آن أَجَنَّة می‌شود؛ و جُنَّة را وسیله‌ی دفاعی می‌گویند.

۵. اصحاب الجحیم

یاران آتش سوزان (یارانی ناگره خوشه)

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ... وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ﴾^(۱)

(کسانی که کافر شوند؛ و آیات ما را تکذیب کنند، دوزخی هستند.)

شرح: معنای جحیم در واژه، دایم الحرار است - که گرمای آن همیشگی و بی پایان است؛ و به دوزخ ترجمه شده است - جایگاه کسانی است، که زندگی فریبای دنیای فانی فریب شان می دهد؛ و در مسابقه ی مال و ثروت اندوزی و افزایش فرزندان پیشی می گیرند، که نقطه مقابل آن بهشت است.

۶. اصحاب الحجر

ساکنان سرزمین حجر

﴿وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾^(۲)

(ساکنان سرزمین حجر فرستادگان [خدا] را دروغ انگاشتند.)

شرح: حجر سرزمینی است، که میان شام و مدینه قرار دارد. منظور از اصحاب حجر، قوم ثمود است، که پیامبرشان صالح نام داشت.

۷. اصحاب السبت

پیروان روز شنبه

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ أَنِّي مَعَكُمْ إِنَّمَا ابْتَغَيْتُ مَخَافَتَكُمْ أَنتُمْ مُّسْلِمُونَ فَيَقُولُ نَتَّخِذُكَ بِأَهْلِ الْكِتَابِ أَهْلًا وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا أُولَئِكَ فَخَرَّ يَدًا وَأَمْرًا وَأَقَامَتْ سُبُّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِبُوا أَيْدِيَهُمْ وَأَنفُسَهُمْ يَكُونُوا تَارَةً وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّخَذُوا ذُرْيَاهُمْ أَهْلًا أَنِ ابْتَغُوا ثَوْبًا حَقِيقًا لِّأَنفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾ (۱)

(یهودیانی که خدا را نافرمانی کردند؛ و روز شنبه ماهی‌گیری نمودند، مورد خشم خدا قرار گرفتند.)

شرح: ای کسانی که کتاب [آسمانی] به ایشان داده شده است، ایمان بیاورید به آن چه [از قرآن محمد ﷺ] فرو فرستاده‌ایم؛ و تصدیق‌کننده‌ی چیزی‌ست، که [از کتاب آسمانی] با خود دارید، پیش از آنکه [عذاب نصیب شما کنیم؛ و با آن آثار] چهره‌هایی را محو کنیم [و بر آن‌ها چشم و گوش و بینی و لبی بر جای گذاریم] و آن‌ها را برگردانیم [و هم چون بخش پشت صاف و زشت گرداند] یا پیش از آنکه یاران شنبه را [یعنی آنانی که روز شنبه ماهی گرفتند] نفرین کردیم؛ و نابود نمودیم؛ به راستی فرمان خدا انجام شدنی است.

۸. اصحاب الشعیر

ساکنان دوزخ

﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾ (۲)

(حتماً شیطان دشمن شماست؛ پس شما هم او را دشمن بدانید. او پیروان خود را فرا می‌خواند، تا از ساکنان آتش سوزان جهنم شوند.)

شرح: خداوند کسانی را که راه یکتاپرستی نمی‌پویند، به جحیم و سعیر و عذاب دردناک خبر می‌دهد؛ از این رو در طول تاریخ کسانی که خلاف خبر پیام‌آوران خدا گام برداشته‌اند، با واژه‌ی یاران و ساکنان آتش دردناک - که همان سعیر است - نام برده شده؛ و خداوند جاودانگی آنان را در دوزخ خبر داده است؛ پس یاران شیطان که فریب او را خورده‌اند، به جهنم وعده داده می‌شوند.

۹. اصحاب السّفینه

کشتی‌نشینان

﴿فَأَنجَيْنَاهُ أَصْحَابَ السَّفِينَةِ وَ جَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ﴾^(۱)

(ما نوح و مسافران کشتی را [از امواج سهمگین طوفان] رهاندیم؛ و کشتی و [داستان آن] را پند و عبرتی برای جهانیان قرار دادیم.)

شرح: منظور از اصحاب السّفینه حضرت نوح - یکی از پیامبران اولوالعزم - و کسانی ست، که همراه او دین خدا را پذیرفتند؛ و گروه مقابل و مخالف با برنامه‌ی خدا مخالفت ورزیدند. خداوند نیز بر مخالفان خشم گرفت؛ و آن‌ها را به طوفانی سهمگین تهدید کرد. به نوح فرمان رسید، کشتی بزرگی بسازد؛ و از هر گونه‌ی جانوری، زوج آنان را در کشتی قرار دهد؛ پس روز موعود فرا رسید؛ و خود و یاران موافق و همگی حیوانات را در کشتی گذاشت. طوفانی سهمگین دنیا را در بر گرفت. ترس و وحشت بر کسانی که نافرمانی کردند، چیره شد. کنعان - فرزند نوح - جزو نافرمانان بود. نوح برای پسرش از خدا درخواست بخشش و گذشت کرد؛

اما از سوی خدا فرمان رسید، که تنها به شرط باور داشتن به خدا رستگار خواهد شد؛ و چون فرزند پیامبر است رهایی نخواهد یافت؛ از این رو با عاصیان غرق شد؛ و جز گروه داخل کشتی، کسی نجات نیافت. مشهور آن است، که کشتی نوح بر کوی «جودی» که در کشور ترکیه‌ی امروزی واقع شده - بر زمین نشست. مشهور آن است، که نوح پس از طوفان، شصت سال زندگی کرد. در مجموع ۹۵۰ سال تبلیغ نمود؛ و از سن چهل سالگی به پیامبری برگزیده شده بود. اکنون کاوشگران در اعماق اقیانوس‌ها برای پیدا کردن لاشه‌ی کشتی پژوهش می‌کنند.

۱۰. اصحاب الصراط

یاران راست رونده

﴿قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ
السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى﴾^(۱)

(بگو ما جملگی منتظر [وعده‌های الهی] هستیم. به زودی خواهید دانست چه کسانی [از ما و شما] بر راه راست و راه یاب‌اند [و چه کسانی گمراه و اهل عذاب‌اند].)

شرح: معنای صراط در واژه مستقیم و راست؛ و معنای سوئی، مساوی است. همانند دو کفه‌ی ترازو که مساوی می‌ایستد؛ پس همان‌گونه که دو کفه‌ی ترازو بالا و پایین آمدن‌شان در جهت مخالف است، راه راست و راه نادرست هم مسیرشان جداست. پس هر کس مسیر راست را پسندید، رستگار و هدایت شده‌اند؛ و کسانی که خلاف صراط مستقیم

حرکت کنند، گمراه و از شاه‌راه اصلی منحرف شده‌اند، که به عذاب و دوزخ می‌انجامد.

۱۱. اصحاب الشمال

یاران دست چپی

﴿وَأَصْحَابُ الشَّالِ مَا أَصْحَابُ الشَّالِ﴾^(۱)

(سمت چپی‌ها چه سمت چپی‌هایی، بدا به حال‌شان!)

شرح: سمت چپی‌ها نامه‌ی کردارشان در دست چپ است. همان کسانی هستند، که راه خود را بر راه خدا برتری دادند؛ و دوزخ جایگاه‌شان است. آنان از شعله‌های آتش و آب جوشان برخوردارند؛ و میان سایه‌ی دودهای گرم و تاریک و سیاه قرار خواهند گرفت. نه خنک است و نه فایده‌ی دارد. اینان بر گناهان بزرگ پافشاری داشتند؛ و سرمست زندگی و خوش‌گذرانی در دنیا بودند. با نام اصحاب‌الشمال و اصحاب‌المشتمه از آن‌ها در قرآن یاد شده است.

۱۲. اصحاب الفیل

فیل‌بانان

﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ﴾^(۲)

(آیا ندیدی [نشیدی] که پروردگارت با فیل‌سواران چه کرد؟)

شرح: شاید سرگذشت اصحاب الفیل مشهورترین داستانی باشد، که قرآن به بیان آن پرداخته است. اصحاب فیل همان سپاه ابرهه است، که بیش از هزار نفر بودند؛ و به فرمان نجاشی - پادشاه حبشه - به سوی مکه برای ویرانی خانه‌ی خدا [کعبه] در سال تولد پیامبر اسلام ﷺ به عربستان گسیل شد بهانه‌ی یورش به خانه‌ی کعبه این بود، که شبه جزیره‌ی عربستان - به ویژه یمن - زیر سلطه‌ی پادشاه حبشه بود؛ اما چون می‌دیدند، توجه مردم به کعبه افزون شده، حبشه‌یی‌ها رشک بردند؛ و در صنعا در جایی به نام «مُعَمَّش» کلیسایی ساختند، تا توجه مردم را بدان‌جا جلب کنند؛ اما سودی نداشت؛ از این رو بر ویرانی کعبه تصمیم گرفتند؛ و به فرمان نجاشی لشکری عظیم به فرماندهی ابرهه به مکه گسیل شد، تا اثری از آن بر جای نماند؛ اما خداوند، صاحب خانه از کعبه پاسداری کرد؛ و همان‌گونه که در سوره‌ی فیل بیان می‌فرماید، سپاهی عظیم از پرندگان به نام [ابابیل] - که شاید همان چلچله یا پرستو در زبان فارسی ترجمه شده - بر سر فیل‌داران فرستاد؛ و با سنگ‌ریزه‌های نیم‌بند از گِل آنان را سنگباران کردند؛ و همه‌ی سپاه ابرهه به نابودی کشیده شد؛ و آن سال، به نام سال فیل (عام الفیل) نام‌گذاری گردید، که مبدأ تاریخ عرب قرار گرفت؛ و روی دادها را بر مبنای آن سال می‌انگاشتند؛ و به آن «ارهاص» نیز گویند، که در زبان، گروهی از تاریخ‌دانان ارهاص را این‌گونه هم معنی کرده‌اند: پایه‌گذاری کردن یا سرچشمه‌ی نیکی و برکت قرار دادن. تا زمان هجرت پیامبر، مبدأ تاریخ عرب، سال «عام الفیل» بود. جالب این‌جاست پس از تولد پیامبر چون بیش‌تر کسانی که رخداد حمله‌ی ابرهه را دیده بودند، قضیه را به صورت داستان عجیب و غریبی که خود آن را دیده بودند برای نسل نو بیان می‌کردند، تا جایی که قرآن نیز از واژه‌ی «الْمَثَر» (آیا ندیدی) استفاده کرده است.

به اندازه‌ی جریان و رخ‌داد تازه اتفاق افتاده بوده است، که آن‌ها را مخاطب جریان قرار می‌دهد. گویند در جریان حمله‌ی ابرهه، عبدالمطلب جدّ پیامبر دست به حلقه‌ی خانه‌ی کعبه می‌گیرد و با اشعاری بدین مضمون، صاحب خانه را می‌خواند: خداوند! تو بزرگ و باحکمت هستی. این دشمنان را نابود ساز؛ و خانه‌ی خود را پاس بدار؛ و آن را جز به خود به کسی وا مگذار.

حتی گویند، زمانی که عبدالمطلب را جویا می‌شوند به او می‌گویند، تو پرده‌دار خانه‌ی خدا هستی. چرا از آن دفاع نمی‌کنی؟ ایشان پاسخ می‌دهند، که صاحب اصلی از آن دفاع می‌کند؛ اما من دوست شتر گم کرده‌ام. گویا سپاه ابرهه آن‌ها را چپاول کرده‌اند. آن‌ها را به من بازگردانید. صاحب خانه از خانه‌ی خود دفاع می‌کند؛ و من مدافع خانه نیستم.

۱۳. اصحاب القریه

ساکنان شهر

﴿وَأَضْرَبَ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ﴾^(۱)

(برای ایشان سرگذشت ساکنان شهر «انطاکیه» را نمونه بیاور. آن‌گاه که فرستادگان [خدا] به سوی آنان آمدند.)

شرح: به جایی که مردم در آن گرد هم می‌آیند، قریه گفته‌اند؛ و از شهر مصر و مکه با واژه‌ی قریه بسیار یاد شده است. شهر انطاکیه پیش‌تر یکی از شهرهای «روم» بود؛ و اکنون در ترکیه است. در زمان‌های قدیم پیامبری ظهور کرد. مردم او را به ریش‌خند گرفتند. خداوند کس دیگری

را به کمک اش فرستاد. باز آن دو را نپذیرفتند؛ و راه یگانه پرستی را بیگانه دانستند. خداوند، سومی را فرستاد. باز پیام آنان را نپذیرفتند؛ و به بهانه‌ی این که آنان نیز انسان و بشری از گونه‌ی خود هستند پیام راه‌نمایی را از آنان مردود شمردند؛ و آمدن آنان را سبب نحوست و بدبختی می‌پنداشتند. به آنان گفتند اگر از تبلیغ دست‌بردار نباشید سنگ‌باران می‌شوید. گرچه مشهور است، که کسی به نام «حبیب نجار» - که ایمان به خدا را در دل پنهان کرده بود - گفت: این سه نفر از سوی آفریدگار یکتا آمده‌اند. به آنان ایمان بیاورید؛ زیرا آن‌ها برای تبلیغ چیزی از مردم به نام حق تبلیغ نمی‌گیرند؛ و دست‌مزدی از مردم چشم ندارند؛ و رنج و سختی را به جان و دل خریدارند، که این‌ها از نشانه‌های انبیای خداست؛ اما مردم باز هم نپذیرفتند؛ و به بهانه‌ی نحس بودن آن‌ها، هر بدبختی چرا به آنان نسبت می‌دادند. مفسرین نام این رسولان را شمعون یوحنا و بولس می‌دانند.

از این رو خداوند از پیامبر اسلام ﷺ خواست، که داستان باستان مردم انطاکیه را برای قوم قریش نقل کند؛ زیرا کافران زمان پیامبر هم همین بهانه‌های پوچ را گواهی راه بی‌راهه‌ی خود می‌آوردند.

۱۴. اصحاب القبور

بی‌باوران به معاد

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ﴾^(۱)

(ای مؤمنان! گروهی را به دوستی نگیرید که خدا بر آنان خشمگین است [چرا که با حق و حقیقت دشمنی می‌ورزند؛ و با اسلام سر جنگ دارند؛ و به فساد و گناه افتخار می‌کنند] آن کافران بدان‌سان که از مردگان قطع امید کرده‌اند [و به وجود آن و پیرو آن به حساب و کتاب جزا و سزا ایمان ندارند].)

شرح: اصحاب القبور همان‌گونه که از بازگشتن مردگان به نزد خود مأیوس و محروم‌اند؛ و دیگر امیدی به بازگشتن آن‌ها ندارند، به روز رستاخیز هم آن‌چنان می‌نگرند، که گویا در آن دنیا نیز زنده نمی‌شوند؛ و حساب و کتابی در کار نیست. به این سبب به رستاخیز هم ایمان ندارند؛ از این رو خدا بر آنان خشمگین است.

۱۵. اصحاب الرّس

چاه‌کنانم

﴿كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَثَمُودُ﴾ (۱)

(پیش از اینان قوم نوح و اصحاب رس و قوم ثمود [پیامبران] را دروغ می‌شمردند.)

شرح: اصحاب الرّس - کسانی که آب‌راه و چاه حفر می‌کردند - به معنای حریص و شکمو هم آمده است. همان اصحاب اخدود در سوره‌ی بروج هستند، که در سرزمین یمن زندگی می‌کردند. گروهی هستند، که پیامبران خدا را دروغ شمرده‌اند؛ و به سبب نداشتن ترس از خدا و بی‌ایمانی به روز رستاخیز به هرگونه مردم‌آزاری دست می‌زدند؛ و

خداوند سرگذشت آنان را درس عبرتی برای نسل‌های آینده بیان فرمودند.

۱۶. اصحاب موسی

یاران موسی

﴿فَلَمَّا تَرَآئِي الْجَمْعَانَ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمَذْكُونٌ﴾^(۱)

(هنگامی که هر دو گروه [فرعونیان] و [پیروان موسی] یک‌دیگر را می‌دیدند، یاران موسی گفتند: ما در جنگال فرعونیان گرفتار می‌گردیم؛ و هلاک می‌شویم.)

شرح: معنای موسی در واژه، از آب گرفته شده است. شرح آیه‌ی ۶۲ پاسخ موسی به پیروان است، که گفت: چنین نیست! پروردگارم با من است؛ و مرا به دست دشمن‌ام نمی‌سپارد؛ و نجات‌ام خواهد داد. چکیده‌ی داستان چنین است: به ستمگر زمان، فرعون خبر رسید، که کسی از قوم بنی‌اسرائیل تخت و بخت او را از بیخ و بن بر می‌کند؛ لذا دستور می‌دهد، که همه‌ی نوزادان پسر را بکشند، تا چینی روی دادی رخ ندهد؛ لذا مادر موسی او را پس از تولد به فرمان خدا در رود نیل در کشور مصر می‌اندازد. جریان آب صندوقچه یا به سخن دیگر، سبیدی را که موسی در آن است، به سوی کاخ فرعون می‌برد. هنگامی که نگهبانان آن را از آب می‌گیرند، نوزاد را به حضور فرعون می‌برند؛ و به پیشنهاد آسیه -زن فرعون- موسی را در کاخ فرعون بزرگ می‌کنند. هنگام شیر دادن به موسی زنان بسیاری را معرفی می‌کنند، تا به موسی شیر دهند؛ اما موسی

جز از پستان مادر خود شیر نمی خورد. در پایان، زمانی که موسی بزرگ شد، علیه فرعون قیام کرد. چون در دربار فرعون، ساحران و جادوگران آماده بودند، موسی را به مبارزه دعوت می کنند؛ و موسی با برادرش هارون با روش لّین و متین نزد فرعون می رود؛ و ساحران همه ی توان سحر و جادو را به کار می گیرند. موسی نیز وارد میدان می شود. با عصای شبانی خود - که اژدهایی شده بود - جادوهای آنان را خنثی می کند؛ و در این لحظه ی همواردخواهی، پیروان موسی گفتند: گرفتار فرعونیان شدیم؛ و اگر پیروز نشویم، هلاک مان خواهد کرد. موسی گفت: خدا با ماست؛ و ما را به دست دشمن نمی سپارد.

۱۷. اصحاب المَدَین

یاران سوخته با رعد و برق

﴿أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾^(۱)

(آیا خبر قوم نوح و عاد و ثمود و ابراهیم و شعیب و لوط بدیشان نرسیده است؟ پیامبران شان همراه با نشانه های روشن به سوی شان آمدند؛ [مردم آنان را نپذیرفتند؛ و بر خود ستم کردند] و خدا بدیشان ستم نکرد؛ بلکه آنان خودشان به خویشتن ستم کردند.)

شرح: یاران زیر و رو شده با زلزله [شهر و روستای قوم لوط] موْتَفِک از «افک» به معنای وارونه کردن چیزی و برگرداندن آن از حالی به حالی

دیگر است. دروغ را «إفك» گویند چون حقیقت را به روشی دیگر وانمود می‌کند. جریان تهمت به حضرت عایشه مبرئه رضی الله عنها - همسر گرامی حضرت رسول ﷺ - به همین سبب به قضیه‌ی إفك معروف شده است.

۱۸. اصحاب المیمنه

سعادت‌مندان

﴿أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْيَمِينَةِ﴾ (۱)

(آنان دست راستی‌ها و خوش‌بخت هستند.)

شرح: میمنه از یمن به معنای مبارک است. دست راستی‌ها آنان کسانی هستند، که در سوی راست انسان‌های مبارک و اهل سعادت هستند. یعنی آن‌ها افزون بر این که در رستاخیز اهل رستگاری هستند، وجودشان برای خود و جامعه در دنیا نیز مایه‌ی خیر و برکت است.

۱۹. اصحاب المشئمه

اهل شقاوت

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ﴾ (۲)

(ایشان سمت چپی‌ها و اهل شقاوت‌اند.)

شرح: مشأمه از ریشه‌ی شوم است. به معنای گرایش به هم معنی. خودشان شوم و مضرّ به حال خود و جامعه هستند، که در رستاخیز نامیه‌ی کردار به دست چپ‌شان است. مشئمه به معنای بداقبال و نحس و بد است.

یاران دست چپ همان اصحاب الشمال هستند، که بحث‌شان در سوره‌ی واقعه آمده است.

۲۰. اصحاب النار

یاران آتش

﴿لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ الْفَائِزُونَ﴾^(۱)

[بهشتیان و دوزخیان یک‌سان و برابر نیستند. بهشتیان [به همه‌ی آرزوها می‌رسند] و رستگار و پیروزند.]

شرح: اصحاب نار مقابل اصحاب الجنة هستند، که اندرزهای قرآن بر آنان تأثیر نکرد؛ و قرآن خود می‌فرماید: اگر این قرآن بر کوه فرو فرستاده می‌شد، با آن همه سختی و صلابت که داشت، تکان می‌خورد. پس عجیب است، که بر گروهی، سخن قرآن تأثیرگذار نیست.

۲۱. اصحاب الکهف

یاران غار که نام‌شان بر سنگ کنده شد.

﴿أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا﴾^(۲)

[آیا گمان می‌برید، که [خواب چندین ساله]ی اصحاب کهف و رقیم در میان شگفتی‌ها و غرایب [پراکنده در گستره‌ی هستی] ما چیز شگفتی‌ست؟]

زندگی پر زرق و برق بسیاری مردم را گول می‌زند؛ و ایشان را نسبت به زنده شدن دوباره فراموش‌کار و بی‌باور می‌کند. در هنگامی که کسانی چون «اصحاب کهف» یافته می‌شوند، که در محیط پرزرق و برق جهان و میان ناز و نعمت فراوان، پای مردی خود را در راه ایمان نشان می‌دهند؛ و حوادث بسیاری در جهان رخ می‌دهد، که بیانگر از سر گرفتن زندگی پس از خواب طولانی بوده، که گونه‌ی مرگ به شمار می‌رود. نمونه‌ی این روی‌دادها داستان «اصحاب الکهف» است.

شرح: معنای کهف، غار است؛ و معنای رقیم کتیبه و لوح است. گروهی از جوانان مؤمن و باهوش بودند، که از ستم طاغوت زمان خود - به نام دقیانوس - به غاری پناه بردند؛ و سی صد و نه سال به خواب رفتند؛ سپس بیدار شدند؛ و هر یک از دیگران می‌پرسید: چه اندازه در خواب بودند. یکی چند ساعت و دیگری یک روز و برخی یک روز و اندی گمان می‌بردند. با این که سی صد و چند سال از خواب آنان گذشته بود. یکی از آنها برای خرید آذوقه به شهر آمد، همه چیز برای او سبب شگفتی بود؛ زیرا مردم و خانه‌های آنان همگی تغییر یافته بود؛ و سکه‌بی که برای خرید همراه داشت، سراسر با سکه‌های رواج روزگار متفاوت بود؛ و ارزش خود را از دست داده بود. هنگامی که سکه را به نانوايي برای خرید نان داد، نانوا شگفت‌زده شد؛ و به او گفت، که تو گنج پیدا کرده‌ای. او هم با کمال تعجب انکار کرد. خلاصه جریان افشا شد و داستان را برای حاضران نقل کرد؛ و قیام و اعتراض خود را نسبت به نظام ظالم زمان [بت‌پرستی] دقیانوس بیان نمود، که از ترس کشته به غاری پناه بردند. نهایت همراه او به آن غار آمدند؛ و راستین بودن جریان را مشاهده کردند. سپس از همراهان خواست، تا تنها درون غار برود، مبادا دوستان‌اش

هراسان شوند. وقتی وارد شد، جریان را تعریف کرد. تغییرات کلی را برای دوستان بازگو کرد. همه‌ی آن‌ها از خدا خواستند، که آن‌ها را به خواب ابدی فرو برد. پس از چند لحظه کسانی که با او بودند، داخل غار شدند؛ و دیدند، که همگی به خواب رفته‌اند؛ و هیچ‌کدام زنده نیستند.

تصمیم گرفتند، کلیسایی کنار غار بسازند؛ لذا درب غار را دیوار کردند؛ و نام آنان را بر روی درب غار نگاشتند؛ و برای همیشه نام اصحاب کهف ماندگار روزگار شدند. برخی می‌گویند، شش نفر بودند، که در راه، چوپانی هم رفیق آنان شد؛ و حتی سگ چوپان هم با آنان هم‌سرنوشت شد. مشهور است کسی به نام «ماکس میلیانوس» این گروه را سرپرستی می‌کرد.

۲۲. اصحاب الیمین

یاران دست راست

﴿وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ * فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ * وَطَلْحٍ مَّنْضُودٍ * وَظِلِّ مَّدُودٍ * وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ * وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ * لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ * وَفُرْشٍ مَّرْفُوعَةٍ * إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنْشَاءً * فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَاراً * غُرُباً أَتْرَاباً * لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ﴾ (۱)

(یاران دست راست. چه یاران دست راستی [همگی نعمت‌های شش‌گانه] متعلق به سمت راستی هاست.)

معنای واژه‌ها: مخضود: بی‌خار. طلح: درخت موز. منضود: ردیف و چین‌چین. مسکوب: ریزان و روان. قُرش جمع فراش: کنایه از هم‌سر است. عُرْباً جمع عروب: زن شیفته شوهرش. اتراب: زنان هم‌سن شوهران.

شرح: کسانی که نیکوکار بودند، در روز رستاخیز نامه‌ی کردار خود را در دست دارند در فردوس برین زیر سایه‌ی درختان بی‌خار [سدر] و موز هستند؛ و میان سایه‌های باصفا از رنج گرما در امان‌اند. کنار آب‌شارهایی که صدای دل‌نواز و میان میوه‌های بی‌پایان و همسران ارجمند و ظریف و زیبا و نرم‌تنان همیشه بکر و همسران طناز و دوست‌داشتنی به سر می‌برند. این نعمت‌ها گروه بسیاری از پیشینیان را (گروندگان به هر دینی از دین‌های آسمانی) در بر می‌گیرد.

پایان

منبع‌ها و مأخذها:

۱. قرآن کریم.
۲. کشف‌الآیه.
۳. تفسیر نمونه.
۴. تفسیر نور.
۵. تفسیر پرتوی از قرآن.
۶. تفسیر گردی «هه‌زار».
۷. تفسیر کابلی.
۸. فرهنگ المنجد.
۹. فرهنگ عمید.

